

# الدّرس السّادس

## إعراب الفعل المضارع (١)

چه فرقی بین دو گروه از اسم‌ها می‌بینید؟

المعلّم  
السّماء - حقّ  
قلمّ

ذلك  
هذه - أنت  
الَّذي

کدام یک از دو گروه، معرب و کدام یک مبنی است؟

آیا می‌دانید به چه کلمه‌ای معرب گفته می‌شود؟

آیا فعل‌ها نیز برای خود معرب و مبنی دارند؟

کدام یک از فعل‌ها «معرب» و کدام یک «مبنی» هستند؟



امر	مضارع	ماضی
	معرب (به جز دو صیغه جمع مؤنث)	مبنی

دانستیم که

حال اگر فعل مضارع معرب باشد چه انتظاری از آن دارید؟ کدام مورد نادرست است؟

علامت‌های اعراب  
را بپذیرد.

مانند کلمات معرب، اعراب  
آخر آن متغیّر باشد.

علامت اعراب آن ثابت  
باشد و تغییر نکند.

حالت رفع و نصب و ...  
داشته باشد.

فعل مضارع از جهت اعراب بر سه نوع است :

- ۱- مضارع مرفوع،
- ۲- مضارع منصوب،
- ۳- مضارع مجزوم؛

و هریک برای خود علامت‌های خاصی دارد.

## مضارع مرفوع و علامت‌های آن

شاید تا به حال بارها فعل مضارع را به کار برده باشید.  
فعل مضارع در حالت عادی مرفوع است.

خوب است نگاهی به صیغه‌های مختلف این فعل داشته باشیم.

يَكْتُبَانِ    تَكْتُبُونَ  
تَكْتُبَانِ    تَكْتُبِينَ  
يَكْتُبُونَ

يَكْتُبُ    أَكْتُبُ  
تَكْتُبُ    نَكْتُبُ

این فعل‌ها بعد از ضمائر «ا - و - ی»  
دارای «نون اعراب» هستند.

آیا ثبوت نون اعراب نیز علامت رفع است؟

آری ثبوت «نون اعراب» علامت

فرعی؟

اصلی؟

رفع است.

آخر این فعل‌ها ضمه دارد.

ضمه علامت رفع است.

و می‌دانیم که «ضمه» علامت

فرعی؟

اصلی؟

رفع است.

علامت‌های  
رفع در فعل  
مضارع

رفع مضارع با یکی از دو علامت زیر نشان داده می‌شود:

اصلی «أُ»: يَذْهَبُ - تَذْهَبُ

فرعی «ثبوت نون اعراب»:

يَذْهَبَانِ - تَذْهَبُونَ - تَذْهَبِينَ

## مضارع منصوب و علامت‌های آن

همان‌طور که دانستیم فعل مضارع در حالت عادی مرفوع است مگر این که بعد از عوامل خاصی قرار بگیرد.

به مثال‌های زیر توجه کنید:

﴿فَأَصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ...﴾

﴿نَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ﴾

فعل‌های مضارع را پیدا کنید.

آیا علامت‌های رفع مضارع را می‌یابید؟

علامت «رفع» در کدام یک از فعل‌ها وجود ندارد؟

چه حروفی قبل از فعل‌هایی که علامت رفع ندارند، آمده است؟



گاهی حروفی قبل از فعل مضارع می‌آید و آن را منصوب می‌سازد.

«أَنْ، لَنْ، كَيْ و نِيز حَتَّى و لِ»

«که»، «هرگز»، «تا این که»، «تا، تا این که»، «برای، برای این که»

به کاربرد این حروف دقت کنید :

أَنْ يَذْهَبَا	يَذْهَبَانِ
لَنْ تَذْهَبَا	تَذْهَبَانِ
لَنْ يَذْهَبُوا	يَذْهَبُونَ
حَتَّى تَذْهَبُوا	تَذْهَبُونَ
لِيَذْهَبِي	تَذْهَبِينَ

با آمدن حروف ناصبه علامت  
رفع «نون اعراب» حذف شد.

پس «حذف نون اعراب» علامت

فرعی؟

اصلی؟

نصب است.

أَنْ يَذْهَبَ	يَذْهَبُ
لَنْ تَذْهَبَ	تَذْهَبُ
حَتَّى أَذْهَبَ	أَذْهَبُ
لِيَذْهَبَ	يَذْهَبُ

با آمدن حروف ناصبه **ضمه** به  
**فتحه** تبدیل شد.

و می دانیم که **فتحه** علامت

فرعی؟

اصلی؟

نصب است.

می گویند.

حروف ناصبه

به این حروف که باعث منصوب شدن فعل مضارع می شوند

علامت های  
نصب در فعل  
مضارع

نصب مضارع با یکی از دو علامت نشان داده می شود :

اصلی « َ » : أَنْ يَذْهَبَ، لَنْ تَذْهَبَ

فرعی «حذف نون اعراب» : أَنْ يَذْهَبَا، لَنْ تَذْهَبُوا

## الضَّيْفُ

ذَهَبَ رَجُلٌ إِلَى بَيْتِ صَدِيقِهِ وَبَقِيَ عِنْدَهُ أَيَّاماً مُتَوَالِيَةً حَتَّى ضَجَرَ صَاحِبُ الْبَيْتِ  
مِنْ إِقَامَتِهِ فَفَكَّرَ فِي حِيلَةٍ لِيَتَخَلَّصَ مِنْهُ. فَأَقْتَرَحَ عَلَى ضَيْفِهِ أَنْ يَتَسَابَقَا فِي الْقَفْزِ غَدًا  
حَتَّى يَعْرِفَا مَنْ الْفَائِزُ؟ فَقَالَ لَوْلَدِهِ :

عِنْدَمَا يَقْفِزُ الضَّيْفُ إِلَى خَارِجِ الْبَيْتِ، أَغْلِقِ الْبَابَ.

صَبَّاحَ الْغَدِ عِنْدَ السَّبَّاقِ، قَفَزَ صَاحِبُ الْبَيْتِ ذِرَاعَيْنِ إِلَى خَارِجِ الْبَيْتِ أَمَّا  
الضَّيْفُ فَقَفَزَ ذِرَاعًا وَاحِدَةً إِلَى دَاخِلِ الْبَيْتِ!

فَقَالَ صَاحِبُ الْبَيْتِ : أَنَا الْفَائِزُ، ذِرَاعَانِ مُقَابِلَ ذِرَاعٍ وَاحِدَةٍ! فَقَالَ الضَّيْفُ :  
ذِرَاعٌ وَاحِدَةً إِلَى دَاخِلِ الْبَيْتِ خَيْرٌ مِنْ ذِرَاعَيْنِ إِلَى الْخَارِجِ.

## الْحَاكِمُ الظَّالِمُ وَ الشَّيْخُ الْمَجْنُونُ

ذَاتَ يَوْمٍ خَرَجَ الْحَجَّاجُ بْنُ يُوسُفَ لِيَتَنَزَّرَهُ فَصَادَفَ شَيْخًا فَسَأَلَهُ :

— مِنْ أَيْنَ أَنْتَ يَا شَيْخُ؟

— مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ.

— مَا رَأَيْتُكَ فِي الْحَجَّاجِ؟

— هُوَ أَظْلَمُ الْحُكَّامِ. سَوَّدَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَأَدْخَلَهُ النَّارَ!

— أَتَعْرِفُ مَنْ أَنَا؟

أنا الحجاج.

— أنا فداك. وَ هَلْ تَعْرِفُ مَنْ أَنَا؟

أنا رَجُلٌ مِنْ هَذِهِ الْقَبِيلَةِ. أُصْبِحُ مَجْنُونًا كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ!!

أجب عن الأسئلة التالية:

١- ما اقترح صاحب البيت على ضيفه؟

٢- إلى أين قفز الضيف؟

٣- ما كان رأي الشيخ في الحجاج؟

٤- ماذا قال الرجل حين عرف الحجاج؟

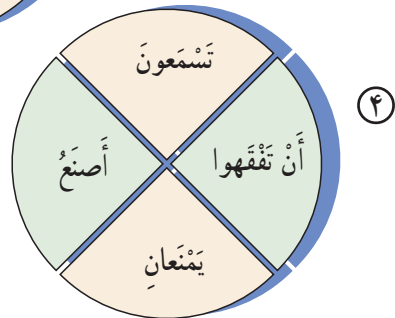
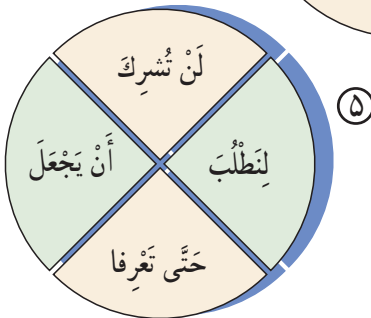
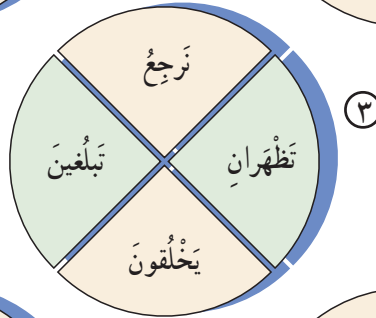
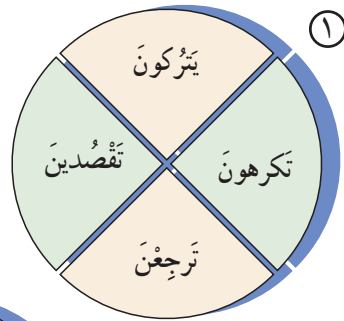
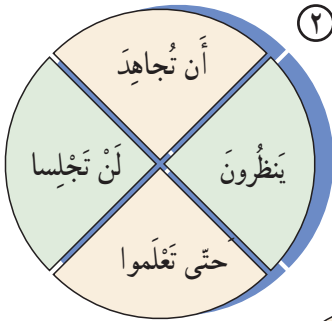
التدريب الأول

ترجم ما بين القوسين إلى العربية ثم أجعله في الفراغ:

- ١- نُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ الْحَقِّ ..... (تا پیروز شویم : انتصَرَ)
- ٢- الْمُؤْمِنُونَ ..... فِي الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ. (اسراف نخواهند کرد : أَسْرَفَ)
- ٣- أَنْتِ ..... اللَّهُ عَلَى نِعْمِهِ. (سپاسگزارى مى کنى : شَكَرْتُ)

التدريب الثاني

في كل شكلٍ فعلٌ واحدٌ يُخْتَلَفُ عَنْ بَقِيَّةِ الْأَفْعَالِ، عَيِّنْ ذَلِكَ وَادْكُرْ وَجَهَ الْاِخْتِلَافِ:



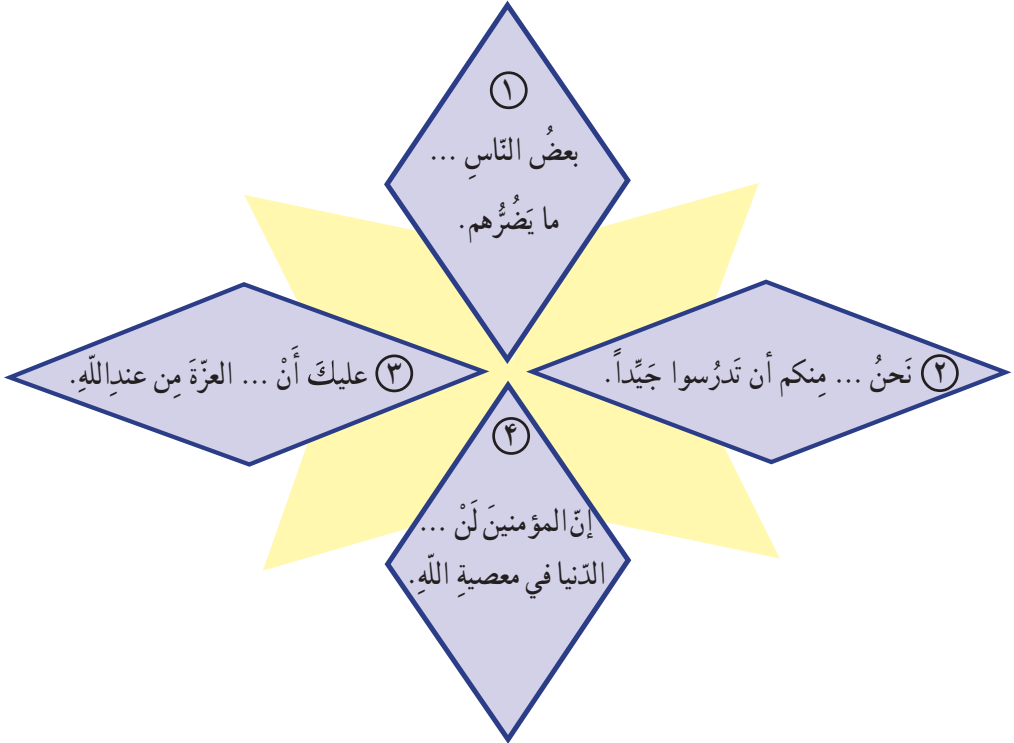
## التمرين الثالث

عَيِّن الأفعال المضارعة و إعرابها في الجمل الآتية:

- ١- أمر الله المسلمين أن يتعاونوا على البرِّ و التَّقوى.
- ٢- اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ.
- ٣- الدَّهْرُ يُخَلِّقُ الأَبْدَانَ وَ يُجَدِّدُ الأَمَالَ.

## التمرين الرابع

أَكْمِلِ الفُرَاغَاتِ بِفِعْلِ مُضَارِعٍ مُنَاسِبٍ مِنْ «طَلَبَ ُ»:



## التمرين الخامس

لإعراب و التحليل الصرفي:

«لَا يَعْذِمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ»



– فعل مضارع هرگاه با یکی از ادوات ناصبه «أَنْ، كَيْ، حَتَّى، لِ» به کار رود معادل مضارع التزامی زبان فارسی ترجمه می‌گردد:

أَنْ يَكْتُبَ : بنویسد، که بنویسد. كَيْ يَذْهَبُوا : بروند، برای این که بروند.  
و هرگاه با «لَنْ» به کار رود معادل مستقبل منفی فارسی ترجمه می‌گردد:

لَنْ يَذْهَبَ : نخواهد رفت.

صَحَّحَ مَا تَرَاهُ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

۱- ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾

هرگز به نیکی دست نیافتید مگر از آن چه برای خود دوست داشتید انفاق کرده باشید.

۲- ﴿فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾

صبر کنید، خداوند میان ما داوری می‌کند و او بهترین داوران است.

۳- «مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ: الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَ الْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ».

از خصلت‌های نادان این است که: قبل از آن که می‌شنود پاسخ می‌گوید و قبل از آن

که می‌فهمد مخالفت می‌کند و درباره آن چه نمی‌داند داوری می‌کند.

إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرَجِّمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:  
 \* لَا تَصْحَبِ الْمَائِقَ فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ فِعْلَهُ وَ يَوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ.  
 \* الْكَلَامُ فِي وِثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وِثَاقِهِ فَأَخْزِنُ  
 لِسَانَكَ كَمَا تَخْزِنُ ذَهَبَكَ.

وِثَاقٌ : بند	لَا تَصْحَبُ : هم‌نشینی نکن
صِرْتُ : می شوی	المائق : احمق
أَخْزِنُ : نگه‌دار	يَوَدُّ : دوست دارد

کدام جمله مفهوم صحیح آیه را می‌رساند؟

الف) ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا... لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ﴾ (یونس / ۵)

۱- خورشید منشأ روشنایی ماه است.

۲- خورشید و ماه پایه و اساس تقویم نگاری هستند.

ب) ﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ﴾ (یس / ۴۰)

۱- بر عالم آفرینش، نظم حکم فرما است.

۲- شب و روز از حرکت خورشید و ماه بوجود آمده است.

ج) ﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ. وَحَسَفَ الْقَمَرُ. وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾ (القیامة / ۷-۹)

۱- خسوف و کسوف ماه و خورشید را بیان می‌کند.

۲- حوادث روز قیامت را بیان می‌کند.

کدام عبارت برای معنی آیه مناسب است؟

الف) ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾ (الأعراف / ۳۱)

۱- بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.

۲- خوردند و آشامیدند و اسراف نکردند.

ب) ﴿إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ﴾ (الإسراء / ۳۷)

۱- به راستی که تو زمین را نشکافتی (کنایه از مغرور نشدن).

۲- به راستی که تو زمین را نخواهی شکافت (کنایه از تکبر نورزیدن).

ج) ﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ (النور / ۲۲)

۱- آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببامرزد؟

۲- آیا دوست دارید خداوند شما را ببامرزد؟

## إِعْرَابُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢)

### مضارع مجزوم و علامت‌های آن

«لَا تَحْزَنُ، إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»

آیا این فعل را به خاطر می‌آورید؟ و می‌توانید آن را معنا کنید.  
دانستیم:

اگر بخواهیم شخصی را از عملی بازداریم از مفهوم نهی استفاده می‌کنیم.  
آیا روش ساختن نهی را از فعل مضارع به یاد دارید؟



با آمدن «لا»ی نهی، آخر فعل ساکن شد که این سکون علامتی برای جزم است.

در این حالت به [ لا ← حرف ناهیه جازمه ]  
[ فعل مضارع ← فعل مضارع مجزوم ] می‌گویند.

حروف دیگری نیز وجود دارند که مانند «لا»ی نهی عمل می‌کنند. که عبارتند از «لما، لام امر».

دقت کنید:

لَمْ يَكْتُبَا  
لَمَّا تَكْتُبِي  
لِيَكْتُبُوا

علامت جزم این  
فعل‌ها مانند نصب  
آن‌ها است یعنی  
چگونه است؟

اصلی؟  
فرعی؟

لَمْ يَكْتُبْ  
لَمَّا تَكْتُبْ  
لِنَكْتُبْ

علامت جزم  
این فعل‌ها  
سکون است.

اصلی؟  
فرعی؟

علامت‌های  
جزم در فعل  
مضارع

جزم مضارع معمولاً با یکی از دو علامت زیر نشان داده می‌شود :  
اصلی « َ » : لم يَذْهَبْ، لا تَذْهَبْ  
] فرعی «حذف نون اعراب» : لم يَذْهَبَا، لا تَذْهَبُوا

به این عبارت از  
زبان فارسی توجه کنید :

اگر درس بخوانی، موفق می شوی.

- در این عبارت چند فعل وجود دارد؟
- آیا با یک فعل معنای آن کامل می‌شود؟
- عبارت فوق با چه کلمه‌ای آغاز شده است؟
- آیا موفق شدن قطعی است یا مشروط؟



بدانیم

به چنین جملاتی که وقوع آن مشروط باشد

جملات شرطی

می‌گویند. جملات شرطی دارای ۳ رکن است :

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

موفق می شوی

درس بخوانی

اگر

آیا در زبان عربی هم جملات شرطی وجود دارند؟

شاید به راحتی  
بتوانید مثال‌هایی مانند  
جملهٔ بالا از زبان  
فارسی بیاورید.

إِنْ تَدْرُسْ، تَنْجَحْ.

به معادل جمله  
شرطی بالا در زبان  
عربی دقت کنید.

کلماتی که در آغاز جمله‌های شرطیه می‌آیند «ادوات شرط» نامیده می‌شوند،

مانند: **إِنْ، مَنْ، مَا، أَيْنَمَا**

«اگر» «هرکه» «هرچه» «هرجا»

اکنون به کاربرد ادوات شرط نظری می‌افکنیم

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾

﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ﴾

مَنْ يَزْرَعْ شَرًّا يَحْضُدْ نَدَامَةً.

- در هر عبارت چند فعل وجود دارد؟ یک فعل ○ دو فعل ○ سه فعل
- این فعل‌ها چه نوع فعل‌هایی هستند؟ ماضی ○ امر ○ مضارع
- آیا ادوات شرط تأثیری در اعراب فعل‌ها داشته است؟
- آری ○ خیر
- اعراب فعل‌ها چگونه است؟ مرفوع ○ منصوب ○ مجزوم

**ادوات شرط** از کلمات جازمه‌ای هستند

که دو فعل مضارع بعد از خود را مجزوم

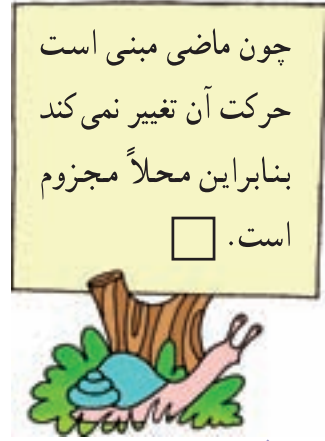
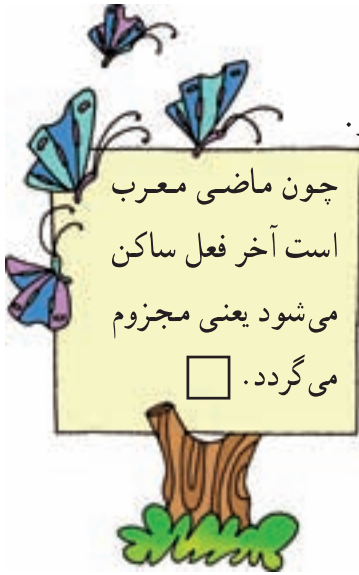
می‌کنند. اولی به عنوان **فعل شرط** و دومی

به عنوان **جواب شرط**.

❓ اگر فعل شرط یا جواب شرط ماضی باشد

کدام یک از دو حالت رخ می دهد؟

إِنْ صَبَرْتُ، أَدْرَكَتْ بِصَبْرِكَ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ.



❗ یکی از موارد جزم فعل مضارع زمانی است که در جواب طلب (امر، نهی و ...)

بیاید :

أَدْرُسُ تَنْجَحُ : درس بخوان تا موفق شوی.

فعل طلبی جواب طلب

لَا تَكْذِبْ بِحُبِّكَ اللَّهُ : دروغ نگو تا خدا تو را دوست بدارد.

فعل طلبی جواب طلب

## إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

اجْتَمَعَ قَوْمٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَوْلَ نَبِيِّهِمْ فَقَالُوا :  
يَا نَبِيَّ اللَّهِ! إِنَّ الْعَدُوَّ أَخْرَجَنَا مِنْ بِلَادِنَا وَدِيَارِنَا. ﴿۱﴾ اِبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ ﴿۲﴾

قال النبيُّ : إِنِّي أَعْلَمُ إِنَّ يَكْتُبِ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْقِتَالَ فَإِنَّكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ .  
القَوْمُ : لِمَاذَا لَا نُقَاتِلُ أَعْدَاءَنَا، لَقَدْ أَخْرَجُونَا مِنْ بِلَادِنَا وَدِيَارِنَا .  
فَلَمَّا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ أَعْرَضَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَ لَمْ يُقَاتِلُوا .

قال النبيُّ : ﴿۳﴾ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ﴿۴﴾  
القَوْمُ : كَيْفَ يُمَكِّنُ أَنْ يَكُونَ طَالُوتُ مَلِكًا عَلَيْنَا وَ هُوَ فَقِيرٌ لَا يَمْلِكُ شَيْئًا .  
فَتَبَاحَثُوا كَثِيرًا فَلَمْ يَتَّبِعْ طَالُوتَ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ .

في ساحة القتالِ عِنْدَمَا شَاهَدُوا كَثْرَةَ أَعْدَائِهِمْ وَ قَلَّةَ عَدَدِهِمْ طَلَبُوا مِنَ اللَّهِ أَنْ  
يُثَبِّتَ أَقْدَامَهُمْ وَ قَالُوا : ﴿۵﴾ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۶﴾

وَ قَالَ الْمُؤْمِنُونَ مِنْهُمْ : إِنْ تَصَبَرُوا تَتَغَلَّبُوا عَلَيْهِمْ . فَقَاتَلُوهُمْ بِشِدَّةٍ وَ هَزَمُوهُمْ .  
كَمَا قَالَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى : ﴿۷﴾ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ ﴿۸﴾

## طريق المودة

نَصَحَ أَحَدُ الْحُكَمَاءِ ابْنَهُ قَائِلًا :

يَا بَنِيَّ! أَحَبِّبْ قَوْمَكَ يُحِبُّوكَ وَ تَوَاضِعْ لَهُمْ يَرْفَعُوكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ يَحْتَرِمُوكَ



وَأَكْرَمُ صِغَارِهِمْ - كَمَا تُكْرِمُ كِبَارَهُمْ - يُكْرِمُكَ كِبَارُهُمْ وَ يَكْبُرُ عَلَى مَوَدَّتِكَ صِغَارُهُمْ  
وَ ابْنُ مَالِكٍ وَ أَعَزُّ جَارِكَ فَبِذَلِكَ تَنْبُتُ لَكَ سَيَادَتُكَ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- مَا قَالَ بَنُو إِسْرَائِيلَ لِنَبِيِّهِمْ؟
- ٢- هَلْ قَبِلَ النَّاسُ طَالُوتَ مَلِكًا عَلَيْهِمْ؟ وَ لِمَاذَا؟
- ٣- مَا كَانَ سَبَبُ انْتِصَارِ الْمُؤْمِنِينَ؟
- ٤- كَيْفَ تَنْبُتُ السِّيَادَةُ؟

## التدريب الأول

إِسْتَخْرِجْ مِنَ النَّصِّ الْأَوَّلِ ثَلَاثَةَ أَفْعَالٍ مُضَارَعَةٍ ثُمَّ أَعْرِبْهَا.

## التدريب الثاني

عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ لِلأَسْئَلَةِ وَفَقَّأ لِمَاجَاءِ فِي النَّصِّ:

١- مَبْرُورٌ إِعْرَابٌ «قَوْمٌ»:

(الف) خبر مفرد (ب) فاعل

(ج) مبتدأ (د) مفعول به

٢- كَمْ مَعْرِفَةً فِي آيَةِ ﴿إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا﴾؟

(الف) ١ (ب) ٢ (ج) ٣ (د) ٤

٣- عَيِّنِ الْخَطَأَ عَن «طَالُوتَ»:

(الف) معرب (ب) جامد (ج) عَلِمَ (د) منصرف

٤- عَيِّنِ الْمَفْعُولَ بِهِ فِي عِبَارَةِ «فَلَمَّا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ أَعْرَضَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَ لَمْ

يُقَاتِلُوا»:

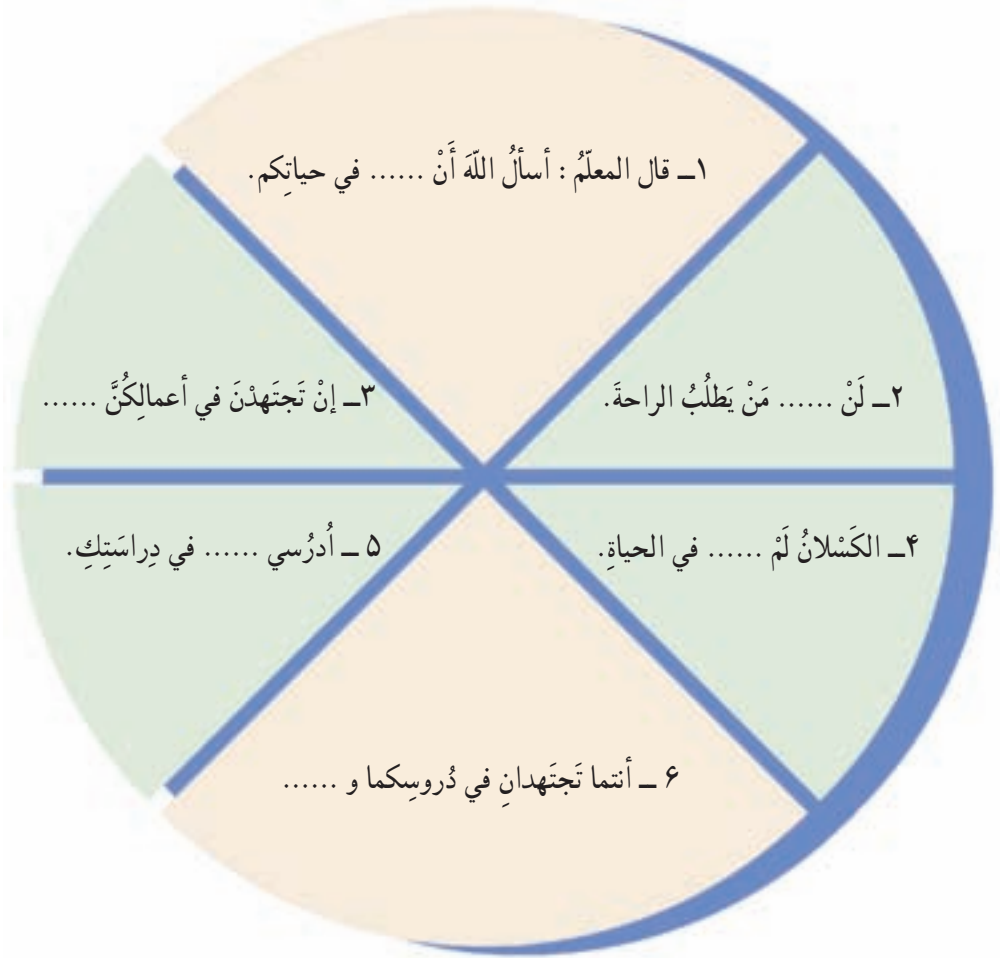
(الف) الله (ب) الْقِتَالَ (ج) كَثِيرٌ (د) هُم

٥- مَا نَوْعُ الْإِعْرَابِ فِي «تَتَغَلَّبُوا»؟

(الف) فرعي (ب) تقديري (ج) محلي (د) أصلي

## التمرين الثالث

أكمل الفراغ بفعلٍ مضارعٍ مناسبٍ من «نَجَحَ»:



## التمرين الرابع

للإعراب و التحليل الصّرفيّ:

« تَوَاضَعُ يَرْفَعُكَ اللهُ »

اقْرَأ النَّصَّ التَّالِيَّ وَتَرْجِمْهُ ثُمَّ صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

## الجُود

خَرَجَ رَجُلٌ مَعَ ابْنِهِ إِلَى الصَّحْرَاءِ وَهُمَا يُرِيدَانِ أَنْ يَصِيدَا فَنَزَلَا عِنْدَ رَجُلٍ. كَانَ لِهَذَا الرَّجُلِ غَنَزَةٌ فَدَبَّحَهُ لَهُمَا فَأَكَلَا مِنْهَا.

عِنْدَمَا أَرَادَ الضَّيْفُ أَنْ يَتْرُكَ الرَّجُلَ قَالَ لِابْنِهِ: اذْفَعْ لَهُ مِائَةَ دِينَارٍ فَقَالَ وَلَدُهُ: هُوَ فَفَيْرٍ يَقَعُّ بِالْقَلِيلِ. فَأَجَابَ: أَنَا لَا أَقْبَلُ أَنْ أَدْفَعَ لَهُ الْقَلِيلَ لِأَنَّهُ دَبَّحَ لَنَا كُلَّ مَا كَانَ عِنْدَهُ.

للتعريب:

## تلاش رمز موفقیت است

- رمز موفقیت تو در درس چیست؟
- من تلاش می‌کنم. هر کس تلاش کند موفق می‌شود.
- آیا مرا در درس‌ها کمک می‌کنی؟
- البته، با کمال میل.
- سپاسگزارم. دوست دارم که در همه درس‌ها قبول شوم.
- چه وقت شروع کنیم؟
- امروز
- بسیار خوب، من در خدمت شما هستم.
- متشکرم.<sup>۱</sup>

۱- تلاش: الاجتهاد - رمز موفقیت: سَرَّ النَّجَاحِ - کمک می‌کنی: تُسَاعِدُ - البته: طَبَعاً - با کمال میل: بَكْلٍ سُرُورٍ (بكل رغبة) - قبول شوم: أَنْ أَنْجَحَ - بسیار خوب: جَيِّدٌ جَدًّا - خدمت شما: خِدْمَتُكَ

– فعل مضارع مجزوم به «لم» معمولاً معادل ماضی منفی است :

لم یکتُبْ = ما کتَبَ : ننوشت      لم یذهبوا = ما ذهبوا : نرفتند

لم یتکاسلنَ = ما تکاسلنَ : تنبلی نکردند.

– فعل شرط و جواب شرط هرگاه ماضی باشند معمولاً معنای مضارع می دهند :

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ : اگر نیکی کنید، به خود نیکی می کنید.

– فعل مضارع مجزوم به لام امر مانند مضارع التزامی فارسی ترجمه می شود :

لِيَنْهَضْ : باید برخیزد      لِيَعْلَمُوا : باید بدانند

لِنَذْهَبْ : باید برویم

صَحَّحْ مَا تَرَاهِ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجِمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

۱- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا﴾

اعراب گفتند : ما ایمان می آوریم، بگو شما ایمان نمی آورید بلکه بگویید اسلام می آوریم.

۲- لِيَكُنْ أَحَبُّ الدَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ.

محبوب ترین توشه ها در نزد تو توشه کار نیک است.

۳- مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ حَصْمَهُ.

هرکس به بندگان خدا ستم کرد، خداوند دشمن او بود.

إقرأ العبارات ثم ترجمها إلى الفارسية بعبارات مألوفة:

\* يا بُنيَّ أَحَبُّ لِعَيْرِكَ ما تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَأَكْرَهُ لَهُ ما تَكْرَهُ لَهَا و لا تُظْلِمَ كما  
لا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنُ كما تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ ما  
تَسْتَقْبِحُ مِنْ غَيْرِكَ.  
\* وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَأَنْكِرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَ لِسَانِكَ وَ بَايِنُ فِعْلُهُ.

يُحْسِنَ إِلَيْكَ: به تو نیکی شود

اسْتَقْبِحَ: ناپسند بدار

بایِن: دور شو

أَنْ تُظْلَمَ: مورد ستم واقع شوی

۱- با انتخاب کلمه مناسب ترجمه آیات زیر را کامل کنید.

(الف) ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (الطلاق / ۳)

و ..... به خدا توکل کند خدا او را کفایت می کند.

هر کس      چه کسی

(ب) ﴿إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضَاعِفْهُ لَكُمْ﴾ (التغابن / ۱۷)

..... به خداوند وامی نیکو دهید خداوند آن را برای شما دو برابر می کند.

که      اگر

(ج) ﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (آل عمران / ۹۲)

..... انفاق کنید پس خداوند به آن آگاه است.

هر آن چه      اگر

۲- آیات زیر را با فعل مناسب کامل کنید.

(الف) ﴿وَمَا ... مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (البقرة / ۲۱۵)

و هر آن چه را از کار نیک انجام دهید خداوند بی شک به آن آگاه است.

تفعلون      تفعلوا

(ب) ﴿فَاذْكُرُونِي ... كُمْ﴾ (البقرة / ۱۵۲)

پس مرا یاد کنید تا من نیز شما را یاد کنم.

أذكُر      أذكُر

(ج) ﴿فَمَنْ ... مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ﴾ (الزلزال / ۷)

و هر کس به وزن ذره ای نیکی کند آن را می بیند.

يعمل      يعمل